

هدایت نقدینگی سرگردان به سمت سرمایه‌گذاری مطمئن

راهکارهای تحقق اقتصاد بدون نفت بایزید مردوخ

مردم به خاطر تزلزل بازار نفت دچار آشفتگی نشوند و اعتماد به نفس خود را از دست ندهند. هدف مهم‌تر نیز حرکت به سمت اجرایی کردن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است. به عبارت دیگر تنها راهی که در شرایط فعلی باقی مانده این است که دولت اصول سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را دنبال کند. مقامات دولتی با اعلام این نرخ‌ها برای قیمت نفت، هرگز اعلام نکرده‌اند که می‌توانیم اقتصاد کشور را به «بهترین نحو ممکن» اداره کنیم یا با این نرخ‌ها به قله‌های پیشرفت دست یابیم، بلکه آن‌ها تنها اعلام کرده‌اند که می‌توانیم اقتصاد کشور را «داره» کنیم. به عبارت دیگر آنها اطمینان می‌دهند که می‌توان حداقلی از امکانات و مصارف را در کشور فراهم کرد. مهم‌ترین پیام این گفته‌ها آن است که تدارکاتی برای اصلاحات اساسی در کشور از جمله در نظام‌های اداری، تدبیر و کلیت اقتصاد ایران اندیشیده شده و در جریان است.

II این تدارکات چه معنا و مفهومی دارد؟ چگونه عملیاتی می‌شود؟

به عنوان مثال، باید راه‌های اتلاف منابع در اقتصاد کشور شناسایی شود، یعنی اگر به هر شکلی دچار اتلاف منابع در کشور هستیم، باید آن را رفع کنیم. نکته دیگر این است که کارایی و بهره‌وری را در بخش‌های دولتی ارتقاء دهیم. ما در ابعاد مختلف اقتصاد کشور، با حجم زیاد حضور دولت روبرو هستیم که کارایی و بهره‌وری لازم را نیز ندارند. اگر این موارد اصلاح شوند، بعید به نظر می‌رسد که اداره کشور حتی با این ارقام اعلام‌شده از سوی مقامات دولتی دچار مشکل شود.

III از گفته‌های شما چنین برمی‌آید که اداره اقتصاد کشور با چنین

نرخ‌هایی برای نفت در بودجه ۱۳۹۴، سخت خواهد بود. با توجه به این

مسئله چه راه‌حلی می‌تواند اوضاع را کمی بهبود ببخشد؟

موضوع اصلی، توجه به مقدرات مردم است. با توجه به این مهم بهترین راهکار برای رفع مشکلات دولت و توجه به مقدرات مردم، هدایت نقدینگی سرگردان به محله‌هایی مطمئن است. در حال حاضر، گردش نقدینگی در ایران بسیار بالاست، به گونه‌ای که این نقدینگی دائم از بازارهایی مثل سکه و طلا به سمت بازارهایی چون ارز و دلار و از بازار دلار به مستغلات و از بازار مسکن به زمین فرار می‌کند. این همان نقدینگی سرگردانی است که اگر بتوانیم برای آن، مقاصد مطمئن پیدا کنیم که در سرمایه‌گذاری‌ها و سپرده‌گذاری‌ها مشارکت داده شوند شاید بتوان بخشی از مشکلات موجود را برطرف کرد.

III پروژه‌های نیمه تمام عمرانی یکی دیگر از مسائلی است که به چالشی

در برابر دولت تبدیل شده است. با توجه به کاهش درآمدهای نفتی دولت،

فکر می‌کنید هدایت نقدینگی سرگردان می‌تواند راهکاری مناسب برای

اداره اقتصاد کشور و تکمیل این پروژه‌های نیمه تمام عمرانی باشد؟

آنچه که من یقین دارم این است که از منابع دولتی نمی‌توان انتظار کار عمرانی داشت. چراکه برای پروژه‌های عمرانی نزدیک ۴۰ تا ۵۰ درصد به میزان ۵۰ هزار میلیارد تومان اعتبار اختصاص داده شده است، اما بعید به نظر می‌رسد در صورتی که قیمت نفت به ۴۰ دلار و حتی ۱۰ دلار برسد بتوانیم تعهدات دولت از جمله پروژه‌های عمرانی را تحقق بخشیم.

III اما کاهش قیمت نفت، می‌تواند در جهت تحقق هدف اقتصاد بدون

نفت موثر باشد. اینطور نیست؟

بله، اما به شرط آنکه ما اقدامی عملی در این راستا انجام دهیم.

III اقدامات عملی که از آن‌ها سخن می‌گویید، شامل چه اقداماتی

هستند؟

نمی‌شود از حرکت به سمت اقتصاد بدون نفت سخن گفت و در عین حال، دست روی دست گذاشت! باید طبق برنامه و با اولویت‌های خیلی مشخص اصلاحات لازم را انجام دهیم. اولین اقدام اصلاحی که همیشه به آن اعتقاد داشته و دارم، اصلاح نظام تدبیر است. باید قوانین، ساختار اداری، شیوه‌های مصرف و ریخت‌وپاش‌ها را مجدداً بررسی کنیم تا بتوانیم به اهداف مورد نظر دست یابیم. در غیر این صورت نتیجه‌ای عایدمان نخواهد شد.

III وزیر نفت، چندی پیش با اشاره به دیپلماسی نفتی ایران برای افزایش

قیمت نفت گفته بود: «جماع‌سازی درون اوپک، ادامه تماس‌ها با

کشورهای غیر اوپک برای کنترل عرضه و عدم عرضه اضافه در بازار از



قیمت نفت
موضوعی جهانی
است، عرضه نفت
به شدت بالا رفته
است و ما هم یکی
از عرضه‌کنندگان
آن هستیم. آن
هم در شرایط
تحریم که حتی
به سهولت
نمی‌توانیم به
میزانی که توانایی
فروش داریم نفت
بفروشیم.

ارمان جوادنی: این روزها به دنبال سقوط قیمت نفت که کاهش شدید درآمدهای کشور را به دنبال داشته، لزوم حرکت به سمت «اقتصاد بدون نفت» بیش از گذشته مورد بحث است و هر لحظه نسخه‌ای از سوی اقتصاددانان و دولت برای تحقق آن پیچیده می‌شود. بدرقه نفت از اقتصاد، سال‌هاست دغدغه کارشناسان و مدیران اقتصادی کشور بوده است، اما شواهد نشان می‌دهد تحقق این آرزو، با پیچیدگی‌های بسیاری همراه است. آنچنان که به عقیده بایزید مردوخ، اقتصاددان و مشاور وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اگر دولت اراده‌ای برای حرکت به سوی اقتصاد بدون نفت داشته باشد، پیش از هر چیز باید تدارکاتی را برای اصلاحات اساسی در نظام‌های اداری، تدبیر و مجموعه اقتصاد ایران اندیشه کند.

III این روزها با توجه به تزلزل در بازار نفت، تعیین قیمت آن در بودجه

سال آینده به یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث در اقتصاد کشور تبدیل

شده و نرخ‌های متفاوتی از سوی مقامات دولتی مطرح شده است. شما

در این باره چه نظری دارید؟ آیا فکر می‌کنید شرایط بازار نفت می‌تواند

دولتمردان را به سمت تحقق آرزوی تاریخی‌شان - اقتصاد بدون نفت -

رهسپار کند؟

آنچه مسلم است اینکه، سهم درآمد نفتی در مجموعه اقتصاد ایران بسیار بالاست، به تبع آن سهم بزرگی نیز در بودجه سالانه به خود اختصاص می‌دهد، در تجارت و بازرگانی نیز به همین ترتیب. اینکه مقامات چنین سخنان متفاوتی را در مورد نرخ نفت در بودجه ۱۳۹۴ مطرح می‌کنند و هر روز از سناریوی تازه رونمایی می‌کنند، چندین هدف را دنبال می‌کنند؛ نخستین هدف این است که

جدایی از نفت نه رهایی از وابستگی آری

چگونه از طلای سیاه استفاده بهینه کنیم؟



■ مسعود کرباسیان
رئیس کل گمرک
ایران

کارشناسان اقتصادی و مقامات دولتی بارها اعلام کرده‌اند که وابستگی بودجه به نفت باید کاهش یابد. از سوی دیگر گفته می‌شود که دولت باید راهکارهایی بیاندیشد تا در شرایط فعلی که قیمت نفت و درآمدهای نفتی رو به کاهش است، هم اهداف خود مبنی بر اقتصاد بدون نفت را محقق کند و هم کسری بودجه سالانه را برطرف نماید. اما پرسشی که در این بین کمتر مورد توجه قرار گرفته، این است که اساساً ما چرا باید اقتصاد بدون نفت را به عنوان یک عامل مثبت در نظر بگیریم؟ به بیان دیگر، چرا باید نفت را که یک موهبت الهی برای ما و اقتصادمان است و می‌تواند در رشد اقتصادی یک کشور تاثیر گذاری فراوانی داشته باشد نادیده بگیریم؟

اقتصاد بدون نفت، آنچنان که نگارنده به آن معتقد است، نه رهایی از نفت که رهایی از وابستگی اقتصاد به نفت است. پُر واضح است که این ماده حیاتی که به حق طلای سیاه خوانده شده است، می‌تواند منجر به رشد اقتصادی در کشور شود، اما برای بهینه‌سازی آن باید جایگاه مصرف نفت و اقتصاد نفتی را در کلیت ساختار اقتصادی کشور باز تعریف کنیم. به عبارت دیگر باید تلاش کنیم که به جای رهایی از نفت، این سرمایه تجدیدنپذیر را تبدیل به ثروتی همیشگی کنیم و از آن بهترین استفاده را ببریم. متأسفانه در گذشته از این ماده حیاتی آن‌طور که به باید و شاید به‌درستی استفاده نشد و همین مسئله مشکلاتی را متوجه دولت فعلی کرده است. نخستین اولویت برای بازگشت از راه غلط و قرار گرفتن در مسیر توسعه این است که بپذیریم، دولت نباید بودجه جاری کشور را از محل درآمدهای نفتی تأمین کند، بلکه به جای چنین تفکری لازم است درآمدهای حاصل از فروش نفت به سمت وسویی دیگر همچون سرمایه‌گذاری‌های بزرگ و بلندمدت هدایت شود. به عبارت ساده‌تر، ما باید اقتصادمان را چنان هدایت کنیم که سرمایه‌گذاری‌های بزرگ خصوصاً سرمایه‌گذاری درآمدهای نفتی به طرف مقاصد تولیدی و بنیادین حرکت کند و آنگاه از محل سود سرمایه‌گذاری‌های بزرگمان بتوانیم کسری‌های بودجه و مشکلات ناشی از آن را جبران کنیم تا اگر زمانی مثل امروز نوساناتی در قیمت نفت بوجود آمد، به راحتی بتوانیم مشکلات موجود در اقتصاد کشور را شناسایی و برطرف کنیم.

با توجه به هشدارهایی که در مورد کسری بودجه و راهکارهایی که برای جبران این کسری داده می‌شود، همچنین تاثیراتی که این مسئله می‌تواند در کلیت روند اقتصادی کشور به دنبال داشته باشد، دولت باید تمهیدات لازم را اندیشیده و تدابیر ویژه‌ای را برای چنین شرایطی اتخاذ کند. هر چند، در گذشته باید نسبت به این موارد، چاره‌اندیشی می‌شد اما اگر دولت هر چه زودتر به چاره‌اندیشی و بازنگری لازم در این عرصه بپردازد، شاید هنوز هم دیر نباشد و بتوان نوسانات آینده در بازار نفت را به سلامت از سر گذراند. چشم‌انداز بازار نفت هنوز در ابهام به سر می‌برد، اما به نظر می‌رسد در آینده یا به سمت استفاده و به کارگیری نفت شیل برویم، و یا از انرژی‌های تجدیدپذیر استفاده کنیم، بنابراین روند آینده دنیا به گونه‌ای پیش می‌رود که اهمیت نفت ممکن است تغییراتی به همراه داشته باشد. با این تفاسیر و با توجه به اهمیت این تغییرات، باید هم دولت و هم مجلس دست‌به‌دست هم دهند و برای این شرایط تدابیر اساسی اتخاذ کنند چرا که در غیر این صورت، در آینده‌های نه‌چندان دور با مشکلاتی غیرقابل پیش‌بینی روبرو خواهیم شد.

جمله این اقدامات وزارت نفت برای افزایش قیمت‌هاست.» به اعتقاد شما برای مقابله با کاهش قیمت نفت، چه اقداماتی باید در اولویت کار دولت قرار گیرد؟

درآمد و قیمت نفت، همیشه یک عامل برون‌زا بوده است و ما نمی‌توانیم کار چندانی در این زمینه از پیش ببریم. قیمت نفت موضوعی جهانی است، عرضه نفت به شدت بالا رفته است و ما هم یکی از عرضه‌کنندگان آن هستیم. آن هم در شرایط تحریم که حتی به سهولت نمی‌توانیم به میزانی که توانایی فروش داریم نفت بفروشیم. مهم‌ترین مسئله این است که واقعیت‌ها به مردم گفته شود.

■ برخی هشدار می‌دهند که با کاهش قیمت نفت اداره اقتصاد کشور سخت‌تر می‌شود؛ این پدیده چه تبعاتی بر جای خواهد گذاشت؟

در جریان کاهش قیمت نفت همان‌طور که تبعات منفی وجود دارد، پیامدهای مثبت بالقوه‌ای نیز نهفته است که باید بالفعل شود. به عبارت دیگر، باید هر چه سریع‌تر اقدامات لازم از سوی دولتمردان انجام شود و نسبت به اصلاحات مواردی که به آن اشاره شد، اقدام کرد. در این شرایط است که می‌توان گفت، کاهش قیمت نفت، یک پیامد مثبت خواهد داشت.

■ شما بیشتر به پیامدهای مثبت کاهش قیمت نفت اشاره کردید. این در حالی است که بنا به اعتقاد برخی از کارشناسان اقتصادی کاهش قیمت نفت بی‌ش از پیامدهای مثبت، تبعات منفی دارد. این تبعات در چه بخش‌هایی خواهد بود؟

یکی از مهم‌ترین وقایعی که رخ خواهد داد این است که دولت دیگر نمی‌تواند طرح‌های نیمه‌تمام عمرانی را با سهولت به انجام برساند. اما آنچه مشکلات بیشتری را متوجه دولت و پروژه‌های عمرانی می‌کند، آن است که با این اتفاق، سرمایه‌گذاری دولتی به حداقل می‌رسد. معضل دیگر، بحث دستمزد و حقوق است، چرا که امکان دارد دولت در پرداخت و افزایش حقوق و دستمزدها نیز دچار مشکلات زیادی شود.

■ برخی‌ها معتقدند که اصلاح قیمت نفت در بودجه سال آینده برای رفع این مشکلات می‌تواند کارساز باشد. شما فکر می‌کنید این اصلاحات جوابگو خواهد بود یا اینکه راه‌های دیگری نیز وجود دارد؟

اصلاح بودجه امری کارشناسی نیست بلکه امری سیاسی است که وابسته به سیاست‌های دولت، و اولویت‌های دولت و مجلس شورای اسلامی است. به‌عنوان مثال باید دید که چرا دولت در لایحه بودجه ۱۳۹۴ نرخ ۷۲ دلاری را برای قیمت نفت پیشنهاد کرده است؟ و یا اینکه چرا مجلس با قیمت ۷۲ دلار مخالفت می‌کند؟ با توجه به این موارد می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که تمامی عوامل در این باره سیاسی است.

■ با توجه به اینکه تاکید کردید نرخ‌های پیشنهادی برای قیمت نفت در بودجه سال آینده، سیاسی است، فکر می‌کنید که نفت ۷۲ دلاری در بودجه چه منطقی دارد؟ برخی کارشناسان معتقدند که این رقم منطقی و معتبر نیست، نظر شما در این باره چیست؟

معتبر بودن نفت ۷۲ دلاری در بودجه سال آینده بستگی به یکسری شاخص‌ها دارد؛ مثلاً اینکه دولت چه منطقی را برای چنین نرخ در نظر گرفته و بر چه اساسی اعلام کرده است که قیمت نفت در بودجه ۷۲ دلار خواهد بود.

■ به نظر شما اعلام این نرخ از سوی دولت چه منطقی دارد؟

به اعتقاد بنده، نرخ ۷۲ دلار برای قیمت نفت، منطقی سیاسی، اداری و حتی اقتصادی دارد؛ حتی امکان دارد منطق سیاسی-اداری داشته باشد.

■ فکر می‌کنید، پیشنهاد سه سناریوی ۵۰، ۴۰ و ۶۰ دلاری که اخیراً از سوی وزیر امور اقتصاد و دارایی ارائه شده است، می‌تواند قابل تحقق باشد؟

بالاخره هر کدام از این سناریوها که از سوی دولتمردان ارائه می‌شود، خوب است اما آثار و تبعات آن سناریو نیز جای بررسی دارد. در وهله اول باید برای هر سناریو آثار و تبعات آن در نظر گرفته شود تا در مراحل بعد دولت بتواند با آثار و تبعات آن کنار بیاید، به‌نحوی که مشکلی پیش نیاید. اما در غیر این صورت این سناریوها تنها در حد سناریو باقی خواهد ماند.

چشم‌انداز بازار نفت هنوز در ابهام به سر می‌برد، اما به نظر می‌رسد در آینده یا به سمت استفاده و به کارگیری نفت شیل برویم، و یا از انرژی‌های تجدیدپذیر استفاده کنیم، بنابراین روند آینده دنیا به گونه‌ای پیش می‌رود که اهمیت نفت ممکن است تغییراتی به همراه داشته باشد.